

١٧/١٠/٢٦  
١٧/١٠/١٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٥٦٩٧



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحلیل ساختاری و محتوایی رمان «جای خالی سلوچ»

اثر محمود دولت آبادی

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا نصر اصفهانی

استاد مشاور:

دکتر طاهره خوشحال دستجردی

پژوهشگر:

میلاذ شمعی

شهریورماه ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

۱۰۵۶۹۷

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

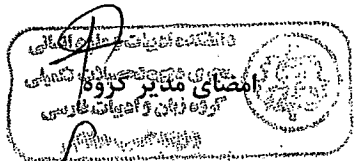
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی  
آقای میلاد شمعی

تحت عنوان

تحلیل ساختاری و محتوایی رمان « جای خالی سلوچ » اثر محمود دولت آبادی

در تاریخ ۸۷/۶/۲۶ توسط هیات داوران بررسی و با درجه عالی به تصویب رسید.

امضاء	مرتبه علمی استادیار	دکتر محمدرضا نصر اصفهانی	۱- استاد راهنمای پایان نامه
امضاء	با مرتبه علمی دانشیار	دکتر طاهره خوشحال	۲- استاد مشاور پایان نامه
امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر غلامحسین شریفی	۳- استاد داور داخل گروه
امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر جهانگیر صفری	۴- استاد داور خارج از گروه



## سپاسگزاری:

سپاس از جهاندار، کاین رنج سخت  
به شادی و خوبی سرآورد بخت

تقدیم اثر:

"به احترام مادران ما"

پیشکش به محمود دولت آبادی

نویسنده ای که لذت بی پیرایه

زندگیش همواره در سختکوشی بوده است

## چکیده:

تحلیل ساختار و محتوا در یک اثر ادبی به ویژه از گذشته تاکنون، کمتر مورد توجه بوده است. امروزه به منظور شناخت هر چه بیشتر و بهتر آثار ادبی، از این دو نوع تحلیل استفاده می شود. تحلیل ساختار روشی است که پژوهشگر، پدیده های گوناگون علم خود را به طور جداگانه و مستقل از یکدیگر مورد مطالعه قرار نمی دهد، بلکه همواره می کوشد هر پدیده را در ارتباط با مجموعه پدیده ها بررسی کند. تحلیل محتوا، تحلیل و بررسی مضامین درونی و اندیشه ای نویسنده است، به گونه ای که زبان شخصیتها حول این محور بسط و گسترش پیدا می کند.

محمود دولت آبادی به شهادت آثارش یکی از توانا ترین داستان نویسان امروز ایران است که چهار دهه از انتشار نخستین آثار او می گذرد. وی با انتشار رمان "جای خالی سلوچ" جای خود را در میان دیگر نویسندگان تثبیت کرد. نثر دولت آبادی در این داستان به دلیل تنوع و تعدد شاخصه های مثبت زبانی، ادبی و فکری، نثری برجسته، پاکیزه و پیراسته به شمار می رود. توصیفات نفس گیر، تشبیهات دلپذیر و مضامین بی نظیر بر این برجستگی، پاکیزگی و پیراستگی افزوده و در مجموع ستون فقرات هنر نویسندگی وی را نمایان تر ساخته است. برجسته ترین مضامین داستان عبارتند از: فقر و گرسنگی و مبارزه برای زندگی، نقد مناسبات زناشویی در شرایط نابسامان اجتماعی، مصائب پایان ناپذیر مردم ستم دیده و رنج کشیده روستایی، اعتراض به اصلاحات ارضی و تقابل سنت و تجدد.

نگارنده در این پایان نامه بر آنست تا با تحقیق در ساختار و محتوای رمان "جای خالی سلوچ" بتواند رهیافتی تازه و کارآمد برای شناخت آثار ادبی معاصر، بویژه رمان ارائه دهد و راهگشای نوعی نگرش تازه در برخورد هنری و علمی با یک اثر ادبی باشد.

**کلید واژه ها:** محمود دولت آبادی، جای خالی سلوچ، تحلیل ساختار، تحلیل محتوا، ادبیات اقلیمی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
و	پیشگفتار.....
ح	سالشمار زندگی محمود دولت آبادی.....
م	شرح احوال.....
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۱	۱-۱ داستان (ادبیات داستانی).....
۲	۱-۱-۱ نمودار ادبیات داستانی (شکل).....
۳	۱-۱-۲ رمان چیست؟.....
۵	۱-۱-۳ سیر تحول رمان و رمان نویسی در اروپا.....
۶	۱-۱-۴ سیر تحول رمان و رمان نویسی در ایران.....
۸	۲-۱ ادبیات اقلیمی.....
	<b>فصل دوم: جای خالی سلوچ</b>
۱۰	۱-۲ اهمیت رمان جای خالی سلوچ.....
۱۱	۱-۱-۲ خلاصه داستان.....
۱۱	۱-۱-۲-۱ بخش اول.....
۱۶	۱-۱-۲-۲ بخش دوم.....
۱۸	۱-۱-۲-۳ بخش سوم.....
۲۲	۱-۱-۲-۴ بخش چهارم.....
	<b>فصل سوم: تحلیل محتوا</b>
۲۵	۱-۳ تحلیل محتوای رمان جای خالی سلوچ.....
	<b>فصل چهارم: تحلیل ساختار</b>
۳۶	۱-۴ درون مایه.....
۳۷	۱-۱-۴ درونمایه رمان جای خالی سلوچ.....
۳۸	۲-۴ شخصیت پردازی.....
۴۰	۱-۲-۴ شخصیت اصلی و فرعی.....



۴۰	..... ۲-۲-۴ توصیف و شیوه های شخصیت پردازی
۴۱	..... ۱-۲-۲-۴ شخصیت پردازی مستقیم
۴۱	..... نامگذاری
۴۱	..... توصیف با صفت
۴۲	..... توصیف با تشبیه
۴۲	..... ۲-۲-۲-۴ شخصیت پردازی غیرمستقیم
۴۲	..... کنش
۴۲	..... گفتار
۴۲	..... ۳-۲-۴ پروتوتیپ
۴۳	..... ۴-۲-۴ پروتوتیپ در رمان جای خالی سلوچ
۴۴	..... ۵-۲-۴ رابطه شخصیت با دیگر عناصرداستان
۴۴	..... ۱-۵-۲-۴ شخصیت و گفتگو
۴۵	..... ۲-۵-۲-۴ شخصیت و کنش
۴۵	..... ۳-۵-۲-۴ شخصیت و هیجان
۴۵	..... ۴-۵-۲-۴ شخصیت و محیط
۴۶	..... ۵-۵-۲-۴ شخصیت و توارث
۴۶	..... ۶-۵-۲-۴ شخصیت و نام(نشانه شناسی شخصیت های داستانی)
۴۶	..... ۶-۲-۴ تحلیل شخصیت های داستان
۴۶	..... ۱-۶-۲-۴ مرگان
۴۹	..... ۲-۶-۲-۴ سلوچ
۵۱	..... ۳-۶-۲-۴ عباس و ابراو
۵۴	..... ۴-۶-۲-۴ هاجر
۵۵	..... ۳-۴ راوی و زاویه دید
۵۸	..... ۱-۳-۴ نمودار(شکل)
۵۹	..... ۲-۳-۴ زاویه دید دانای کل
۵۹	..... ۳-۳-۴ زاویه دید در رمان جای خالی سلوچ
۶۰	..... ۱-۳-۳-۴ نمایش کنش ها

۶۰.....	۲-۳-۳-۴ نمایش اعتقادات.....
۶۱.....	۳-۳-۳-۴ نمایش احساسات.....
۶۱.....	۴-۳-۳-۴ نمایش تفکرات.....
۶۲.....	۵-۳-۳-۴ نمایش حوادث.....
۶۲.....	۴-۴ روایت.....
۶۳.....	۱-۴-۴ روایت در رمان جای خالی سلوچ.....
۶۳.....	۲-۴-۴ تطبیق روایت رمان جای خالی سلوچ با نظریه "لباو".....
۶۴.....	۱-۲-۴-۴ چکیده.....
۶۴.....	۲-۲-۴-۴ جهت گیری.....
۶۴.....	۳-۲-۴-۴ رخدادها.....
۶۵.....	۴-۲-۴-۴ ارزیابی.....
۶۵.....	۵-۲-۴-۴ فرجام.....
۶۶.....	۶-۲-۴-۴ نتیجه گیری.....
۶۷.....	۳-۴-۴ الگوی روایتی لباو(شکل).....
۶۸.....	۴-۴-۴ الگوی روایتی پلانی(شکل).....
۶۹.....	۵-۴ نثرداستان.....
۶۹.....	۱-۵-۴ دولت آبادی و تاثیرپذیری از پیشینیان.....
۶۹.....	۲-۵-۴ تاثیرپذیری از زبان ادبی.....
۷۰.....	۳-۵-۴ تاثیرپذیری از مضمون و محتوا.....
۷۲.....	۶-۴ سبک شناسی.....
۷۳.....	۱-۶-۴ سبک شناسی رمان.....
۷۴.....	۲-۶-۴ سبک شناسی رمان جای خالی سلوچ.....
۷۵.....	۱-۲-۶-۴ ویژگی های ساخت زبانی.....
۸۰.....	۲-۲-۶-۴ ویژگی های ادبی.....
۸۹.....	۳-۲-۶-۴ ویژگی های فکری.....
۹۰.....	۷-۴ گفتگو.....
۹۳.....	۱-۷-۴ گفتگو در رمان جای خالی سلوچ.....

عنوان	صفحه
۲-۷-۴ گفتگو و دیگر عناصر داستانی.....	۹۴
۱-۲-۷-۴ گفتگو و شخصیت پردازی.....	۹۵
۲-۲-۷-۴ گفتگو و کنش.....	۹۷
۳-۲-۷-۴ گفتگو و صحنه.....	۹۸
۸-۴ لحن.....	۹۹
۱-۸-۴ لحن در رمان جای خالی سلوچ.....	۱۰۱
۱-۱-۸-۴ لحن راوی.....	۱۰۱
۲-۱-۸-۴ لحن شخصیت ها.....	۱۰۲
۹-۴ پیرنگ.....	۱۰۵
۱-۹-۴ نمودار فریدمن (شکل).....	۱۰۸
۲-۹-۴ عناصر ساختاری پیرنگ.....	۱۰۹
۱-۲-۹-۴ حادثه و گره افکنی.....	۱۰۹
حادثه اصلی و فرعی.....	۱۰۹
۲-۲-۹-۴ کشمکش.....	۱۱۰
انواع کشمکش (جسمانی، ذهنی، اخلاقی، عاطفی).....	۱۱۰
(بیرونی و درونی).....	۱۱۱
۳-۲-۹-۴ هول و ولا یا حالت تعلیق.....	۱۱۱
۴-۲-۹-۴ بحران.....	۱۱۱
۵-۲-۹-۴ نقطه اوج (بزنگاه) و گره گشایی.....	۱۱۲
۳-۹-۴ پیرنگ در رمان جای خالی سلوچ.....	۱۱۲
۱-۳-۹-۴ عناصر ساختاری پیرنگ در رمان جای خالی سلوچ.....	۱۱۳
۴-۹-۴ وحدت پیرنگ.....	۱۲۰
۱۰-۴ زمان.....	۱۲۱
۱-۱۰-۴ زمان در رمان جای خالی سلوچ.....	۱۲۲
۱۱-۴ فضا و رنگ.....	۱۲۳
۱-۱۱-۴ فضا و رنگ در رمان جای خالی سلوچ.....	۱۲۳

## فصل پنجم: نقد جامعه شناختی

- ۱-۵ نقد جامعه شناختی ..... ۱۲۶
- ۱-۱-۵ جامعه شناسی ادبیات ..... ۱۲۷
- ۲-۱-۵ جامعه شناسی رمان جای خالی سلوچ ..... ۱۲۸
- ۳-۱-۵ اصلاحات ارضی ..... ۱۲۸

## فصل ششم: راز ماندگاری

- ۱-۶ راز ماندگاری ..... ۱۳۶
- ۱-۱-۶ راز ماندگاری رمان جای خالی سلوچ ..... ۱۳۷
- نتیجه گیری ..... ۱۳۹
- پیشنهاد ..... ۱۴۱
- یادداشت ها ..... ۱۴۴
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۱۴۹

## پیشگفتار:

درخت کهنسال و سترگ ادب فارسی، جزء جدایی ناپذیر فرهنگ مردم ایران است و تردیدی نیست که مهمترین راه شناخت روحیات و فرهنگ یک ملت از طریق ادب و هنر مردمان آن سرزمین است. بی تردید ادبیات داستانی، یکی از هزاران شاخه این درخت تنومند و رمان نوپای ترین برگ آن است. پیدایش نخستین داستان ها به درستی مشخص نیست، اما مسلم است که داستان، عمری به اندازه عمر انسان دارد. رمان و داستان به معنی امروزی به عنوان میراث ادبی از اروپا وارد ایران شد. در سال ۱۳۰۰ داستان نویسی نوین فارسی برخلاف اغلب کشورهای دنیا توسط نویسندگان داستان کوتاه از جمله محمد علی جمالزاده و سپس صادق هدایت پایه گذاری شد و به تدریج شروع به رشد و گسترش کرد. همزمان و همپای با داستان کوتاه، رمان به صورت جدی وارد صحنه ادبیات شد و توانست راهی به عرصه های ادبی و فرهنگی ایران باز کند.

محمود دولت آبادی از برجسته ترین نویسندگان دوره رشد و گسترش داستان نویسی ایران است که توانست با نگارش رمان "جای خالی سلوچ" و "کلیدر" جایگاه خود را در میان دیگر نویسندگان تثبیت کند. دولت آبادی به دلیل آشنایی با محیط روستایی به نوع خاصی از داستان نویسی به نام "ادبیات اقلیمی" روی آورد و اغلب داستان های خود را با مضامین روستایی به نگارش درآورد.

کار اصلی در این پایان نامه، تحلیل ساختاری و محتوایی رمان "جای خالی سلوچ" است. ذکر چند نکته برای خوانندگان عزیز قبل از ورود به بخش اصلی ضروریست:

۱- این نوشتار -در حد اطلاع من- جزو نخستین کارهایی است که ساختار و محتوای یک اثر داستانی را به طور کامل و مستقل، تحلیل و بررسی می کند.

۲- چاپ نخست کتاب جای خالی سلوچ، یک حسن داشت و یک عیب؛ حسنش آن بود که معانی لغات مشکل و یا نامانوس در پاورقی آورده شده بود- که متأسفانه در چاپهای بعدی این توضیحات از پاورقی حذف شده بود-. عیبش آنکه کتاب ویرایش نشده بود و اغلاط فراوان املائی داشت. بنابراین از چاپ اول (نشر آگاه ۱۳۵۸) کتاب به منظور فهم لغات دشوار و از چاپ ششم (نشر چشمه ۱۳۷۴) به عنوان آوردن شاهد مثال استفاده کردم.

۳- علی رغم کوشش فراوان و دستیابی به تعداد قابل توجهی از منابع، متأسفانه امکان دسترسی به همه کتابها و مقالات و پایان نامه ها -آن گونه که مورد انتظار پژوهشگر بود- فراهم نشد. برخی مقالات و پایان نامه ها از سامانه "فهرستگان" و یا از سایت "اطلاعات مدارک علمی کشور" (ایران داک) فراهم شد. کمبود امکانات، فقدان کتاب و مجلات، تعطیلی مستمر کتابخانه ها، مهمترین عوامل عدم دسترسی به همه منابع و مآخذ بود و این مصائب پایان ناپذیر نه متوجه من و دیگر دانشجویان و علاقه مندان، که متوجه مسئولان محترم دانشگاه بوده و هست و امید می برم به زودی شاهد دستیابی آسان به همه منابع باشیم.

۴- در تنظیم کتابنامه و سالشمار زندگی دولت آبادی اشکالاتی وجود داشت. به عنوان مثال باید گفت اسامی همه آثار دولت آبادی، زمان تالیف و نوبت چاپ آنها دقیقاً مشخص نیست. حتی خود نویسنده در برخی از موارد دچار تردید

است. متأسفانه در دقیق ترین مراجع از جمله فهرست مشخصات کتابهای کتابخانه ملی ایران هم موارد فوق ذکر نشده است. با این حال در حد توانایی و آگاهی این قلم به این کار وقت گیر و طاقت قرسا پرداختم.

۵- آنچه به عنوان تحلیل ساختار انجام شده است، بررسی تک تک اجزای داستانی از جمله شخصیت، گفتگو، زاویه دید و... در ارتباط با کل داستان بوده است و از نظریه های ساختارگرایان نیز در مواردی به عنوان نمونه و الگو بهره برده ام. ۶- برخی موارد دیدگاه های صاحب نظران ادبیات داستانی متفاوت بود، مثلاً برخی کلمه plot را به معادل هایی از جمله: طرح، طرح و توطئه، الگو و عده ای دیگر به نقشه و چهارچوب ترجمه کرده اند. در این گونه موارد با رجوع به منابع معتبر و با نظر اساتید محترم راهنما و مشاور بهترین و معتبر ترین نظر را برگزیدم.

۷- روش تحقیق به صورت اسنادی و کتابخانه ای و اهداف پژوهش بدینگونه بوده است: تبیین و تحلیل ابعاد زبانی و نحوی و دستگای اثر، شناخت جامعه عصر نویسندگان و افسار و طبقاتی که مورد ظلم قرار گرفته اند، تحلیل زمینه های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، معرفی جایگاه کتاب در نثر داستانی معاصر.

در پایان بر خود فرض می دانم تا کمال سپاسگزاری را از استاد بزرگوار مشاور، سرکار خانم دکتر طاهره خوشحال دستجردی و همچنین استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محمد رضا نصر اصفهانی داشته باشم. اخلاق و علم، همواره دو مشخصه بزرگ این بزرگواران و رهینه دوام بنده بوده است. همواره بر آن کوشیده ام تا بتوانم از فضایل علمی و اخلاقی این عزیزان بهره مند شوم.

## سالشمار زندگی محمود دولت آبادی (۱)

- ۱۳۱۹ تولد در دولت آباد سبزوار.
- ۱۳۲۳ گردانیدن نعش های گل محمد، خان محمد، بیگ محمد، قهرمانان رمان کلیدر در سبزوار.
- ۱۳۲۵ آغاز تحصیلات ابتدایی.
- ۱۳۲۶ علاقه مند شدن به داستان های شمایل گردان ها و دوره گرد ها؛ آشنایی با نمایش سنتی و بازی گری در تعزیه.
- ۱۳۲۷ آشنایی با دیم کاری و دامداری؛ رونویسی کردن نسخه های کهنه و فرسوده مربوط به نمایش های تعزیه با خط خوانا؛ تماشای نخستین فیلم در سینمای باغ ملی سبزوار.
- ۱۳۲۸ مطالعه کتاب امیر ارسلان نامدار.
- ۱۳۲۹ جستجوی ناخود آگاه در اشکال هنری بومی فولکلوریک.
- ۱۳۳۰ تعارض بین برادران بزرگتر و خانواده.
- ۱۳۳۲ پایان تحصیلات ابتدایی.
- ۱۳۳۳ وقوع قتل در ده زادگاه؛ کار در کارخانه پنبه؛ بیماری استئومیلیت در پا (بیماری استخوانی).
- ۱۳۳۴ سفر به مشهد برای معالجه.
- ۱۳۳۵ سفر به عتبات، بازگشت و توقف موقت در تهران.
- ۱۳۳۶ بازگشت به ولایت؛ کار در شهر سبزوار.
- ۱۳۳۷ سفر به مشهد به قصد ورود به آموزشگاه گروهبانی؛ رفتن به سینما برای دومین بار و تماشای فیلم "ظالم بلا"؛ آشنایی با تئاتر.
- ۱۳۳۸ سفر به تهران؛ تماشای فیلم های "سرنوشت یک انسان" و "لک لک ها پرواز می کنند"؛ آشنایی با آثار چخوف نویسنده نامدار روس و خواندن آثار صادق هدایت، نویسنده نامدار ایران.
- ۱۳۳۹ کار در تئاتر "پارس" لاله زار به عنوان رکلاماتور؛ آغاز تمرین داستان نویسی و نخستین جرقه های نمایشنامه تنگنا، فکر کردن به خود کشی برای اولین و آخرین بار.
- ۱۳۴۰ شرکت در کلاس تئاتر آناهیتا، آغاز داستان نویسی به طور جدی و چاپ داستان کوتاه "ته شب".
- ۱۳۴۱ بازی در نمایشنامه "شب های سفید" اثر داستایوفسکی (نویسنده بزرگ روس)؛ مهاجرت خانواده به تهران.

۱۳۴۲ بازی در نمایش "فرعه برای مرگ" اثر "واحه کاجا"؛ همچنین بازی در نمایش های "انیس مندو" و "تانیا"؛ نگارش داستان های کوتاه "ادبار" و "هجرت سلیمان".

۱۳۴۳ ترک تحصیل؛ بازی در نمایش "نگاهی از پل" اثر "آرتور میلر"، مرگ نورا، برادر کوچکتر در سن بیست و یک سالگی؛ نگارش داستان های کوتاه "یابانی"؛ "پای گلداسته اما مزاده شعیب"؛ و "سایه های خسته" (داستان های کوتاهی که در سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۲ به نگارش درآمده، در مجموعه ای به نام "لایه های یابانی" در همین سال به چاپ رسیده است).

۱۳۴۵ آشنایی با احمد شاملو شاعر معاصر ایران؛ سفر به بندرعباس؛ نگارش داستان های "سفر" و "بند".

۱۳۴۶ آشنایی با آثار غلامحسین ساعدی، نویسنده معاصر ایران؛ بازی در "چوب به دست های ورزیل" اثر غلامحسین ساعدی؛ آشنایی با جلال آل احمد؛ پایان نگارش داستان کوتاه "اوسنه بابا سبحان".

۱۳۴۷ بازی در نمایش های "شهر طلایی" (تدوین جوانمرد) و "قصه طلسم و حریر و ماهیگیر" (نوشته علی حاتمی)؛ نگارش نمایشنامه "تنگنا" (۲)، چاپ کتاب "اوسنه بابا سبحان"، نگارش داستان نیمه بلند "گاواره بان"، آغاز نگارش رمان "کلیدر".

۱۳۴۸ بازی در "ضیافت و عروسک ها" اثر بهرام بیضایی؛ سفر به کازخک خراسان پس از وقوع زلزله در این منطقه و نخستین جرقه های داستان بلند "عقیل عقیل"، نگارش نمایشنامه "شب سوگوار گیلارد" (این کتاب گم شده است).

۱۳۴۹ ازدواج؛ سفر به کلیدر؛ بازی در سه نمایش پیوسته "مرگ در پاییز" اثر اکبر رادی؛ بازی در نمایش "تمام آرزوها" نوشته نصرت نویدی؛ مطالعه "چنین گفت زرتشت" اثر نیچه، چاپ کتاب "تنگنا" و "گاواره بان"، آغاز نگارش داستان نیمه بلند "باشیرو".

۱۳۵۰ تنظیم و اجرای نمایش "راشومون" نوشته آکوتو کاوا؛ آشنایی با امیرحسین آریانپور؛ پایان نگارش "باشیرو"؛ نگارش داستان کوتاه "مرد"، نگارش نمایش نامه "درخت" (این نمایشنامه گم شده است).

۱۳۵۱ علی، برادر ناتنی هنگام رانندگی در جاده هراز به رودخانه پرت می شود؛ آشنایی با سهراب سپهری؛ بازی در "حادثه درویشی" اثر آرتور میلر؛ چاپ کتاب "باشیرو" و "مرد".

۱۳۵۲ سفر به سبزوار به همراه مهدی فتحی، شهاب موسوی زاده، محمد رضا لطفی؛ بازی در "چهره های سیمون ماسار" اثر برتولت برشت؛ بازنویسی داستان "سفر"، سخنرانی در دانشگاه تهران؛ بر اساس داستان سفر یک فیلم کوتاه هشت میلیمتری توسط سینما آزاد اهواز و به کارگردانی عبدالله نریموسی ساخته می شود که ناتمام می



مانند؛ همچنین فیلم "خاک" که بر اساس "آوسنه بابا سیحان" توسط مسعود کیمیایی ساخته شده است، در این سال بر پرده سینماهای کشور به نمایش درمی آید.

۱۳۵۳ بازی در نمایش "در اعماق" اثر ماکسیم گورکی؛ دستگیری و بازداشت توسط عوامل سازمان امنیت؛ آغاز نگارش داستان نیمه بلند "از خم چنبر"، آغاز نگارش نمایشنامه "دیدار بلوچ"، نگارش داستان کوتاه "روز و شب یوسف"؛ نگارش و چاپ داستان نیمه بلند "عقیل عقیل"، انتشار کتاب "موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی" (ادبیات و نقد).

۱۳۵۴ زندان (۳).

۱۳۵۵ زندان.

۱۳۵۶ بازگشت از زندان؛ بازبینی آثار نیمه کاره؛ درخواست اجازه از دولت آبادی برای ترجمه "گاواره بان" به زبان آلمانی، چاپ کتاب "از خم چنبر" و "دیدار بلوچ"، آغاز نگارش داستان "یک زندگی کوچک"، آغاز نگارش فیلمنامه "سربداران".

۱۳۵۷ آغاز نگارش رمان "جای خالی سلوچ"؛ سخنرانی در دانشگاه آزاد تهران؛ سخنرانی در مدرسه عالی پاریس؛ دیدار با بزرگ علوی و گفت و شنود با او؛ سخنرانی در دانشگاه صنعتی شریف به مناسبت روز جهانی تئاتر؛ انتخاب شدن به عنوان دبیر اول سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر ایران؛ اجرای "هجرت سلیمان"؛ نگارش فیلمنامه "ققنوس"؛ سخنرانی کوتاهی بر مزار پرویز فی زاده (هنرمند فقید سینما)؛ انتشار "گاواره بان" به زبان آلمانی توسط دکتر تورج رهنما.

۱۳۵۸ چاپ کتاب "جای خالی سلوچ"، چاپ داستان کوتاه "بیر جوان و انسان پیر".

۱۳۵۹ انتشار داستان "هجرت سلیمان" به زبان سوئدی.

۱۳۶۰ نگارش فیلمنامه "اتوبوس"؛ مرگ پدر؛ سخنرانی در تئاتر دهقان.

۱۳۶۱ آغاز مکاتبه با محمد علی جمالزاده، چاپ کتاب "ققنوس".

۱۳۶۲ پایان رمان "کلیدر" در فروردین ماه، آغاز نگارش رمان "روزگار سپری شده مردم سالخورده" در ۳ مجلد با نام های "در اقلیم باد" (جلد اول)، "برزخ خس" (جلد دوم) و "پایان جغد" (جلد سوم).

۱۳۶۳ چاپ داستان "مرد" به زبان فرانسه در مجموعه داستان های ایرانی.

۱۳۶۵ مرگ مادر؛ نگارش داستان کوتاه "آهوی بخت من گزل"، نگارش نمایشنامه "خانه آخر" و "گل آتشین".

۱۳۶۷ چاپ کتاب "آهوی بخت من گزل" و فیلمنامه "هیولا".

۱۳۶۸ انتشار کتاب "ما نیز مردمی هستیم" (گفتگوی محمود دولت آبادی با امیر حسن چهلتن و فریدون فریاد)؛ شروع ترجمه رمان "جای خالی سلوچ" به زبان آلمانی توسط زیگفرید لطفی؛ سفر به هلند؛ سوئد، آلمان، انگلیس و فرانسه؛ سخنرانی در سمپوزیوم آمستردام، انتشار کتاب "کارنامه سپنج" (مجموعه آثار) در ۳ مجلد.

۱۳۶۹ انتشار "هجرت سلیمان" به زبان چینی؛ سفر به آلمان در پاسخ به دعوت خانه فرهنگی‌های جهان (برلین)، چاپ جلد نخست کتاب "روزگار سپری شده مردم سالخورده".

۱۳۷۰ سفر به آمریکا و کانادا و سخنرانی در دانشگاه میشیگان (ایالات متحده آمریکا) و دانشگاه کوییتز (کانادا)؛ انتشار "آهوی بخت من گزل" به زبان سوئدی، چاپ فیلمنامه "توبوس"، انتشار کتاب "جای خالی سلوچ" به زبان آلمانی (۱۹۹۱).

۱۳۷۱ سفر به مونیخ و سخنرانی در سمپوزیم "ادبیات در گذار به هزاره سوم"؛ حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت؛ انتشار مجموعه مقالات، نقدها، سخنرانی‌ها و گفت و شنودها در کتابی به نام "رد گفت و گزار سپنج".

۱۳۷۲ سفر به آلمان برای سخنرانی درباره "نویسنده" (تابستان ۱۹۹۳)؛ چاپ داستان "ادبار" به زبان انگلیسی در آمریکا، چاپ جلد دوم کتاب "روزگار سپری شده مردم سالخورده".

۱۳۷۳ شروع ترجمه "جای خالی سلوچ" به زبان فرانسه.

۱۳۷۵ انتشار نوار کتاب "ما نیز مردمی هستیم" به درخواست مجتمع خدمات بهزیستی نایب‌نایان رودکی (شامل ۱۸ حلقه نوار ۶۰ دقیقه ای).

۱۳۷۶ انتشار نوار کتاب "کلیدر" به درخواست مجتمع خدمات بهزیستی نایب‌نایان رودکی (جلد اول و دوم و سوم، شامل ۴۱ حلقه نوار ۶۰ دقیقه ای).

۱۳۷۷ آغاز نگارش رمان "سلوک".

۱۳۷۸ انتشار نوار کتاب "کلیدر" به درخواست مجتمع خدمات بهزیستی نایب‌نایان رودکی (جلد چهارم تا دهم، شامل ۸۷ حلقه نوار ۶۰ دقیقه ای).

۱۳۷۹ چاپ جلد سوم کتاب "روزگار سپری شده مردم سالخورده".

۱۳۸۱ پایان نگارش رمان "سلوک".

۱۳۸۲ چاپ کتاب "سلوک"، چاپ نمایشنامه "گل آتشین" (این کتاب بر اساس داستان کوتاه «گل قرمز» اثر گارسین نویسنده روسی نوشته شده است).

۱۳۸۳ چاپ کتاب های "روز و شب یوسف"، "خانه آخر"، "آن مادیان سرخ یال"، "فطره محال اندیش" (مجموعه مقالات)، "یک زندگی کوچک" (ادبیات و نقد) و داستان کوتاه "گلدسته ها و سایه ها". اجرای نمایشنامه "چاه" بر اساس رمان "جای خالی سلوچ" به کارگردانی کتایون حسین زاده.

۱۳۸۴ چاپ کتاب "چوب خشک بلوط".

۱۳۸۵ ترجمه رمان "جای خالی سلوچ" به زبان انگلیسی توسط کامران رستگار و انتخاب این ترجمه به عنوان یکی از ده ترجمه برتر سال ۲۰۰۷ توسط پژوهشگران دانشگاه رجستر آمریکا.

۱۳۸۶ آغاز نگارش کتابی درباره هشت سال جنگ ایران و عراق.

## شرح احوال

محمود دولت آبادی، فرزند اول از همسر سوم پدرش، در سال ۱۳۱۹ در دولت آباد سبزوار و در خانواده ای روستایی و کشاورز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در دولت آباد سبزوار گذراند و پس از مدتی به دلیل سختی های زندگی نتوانست درس خود را ادامه دهد. در کودکی به نمایش و شنیدن قصه و شاهنامه خوانی علاقه نشان داد و توانست در خلال گرفتاری های خود، کتابهایی مانند حسین کرد شبستری، گرشاسب نامه و امیر ارسلان نامدار را مطالعه کند. در سال ۱۳۳۸ از طریق دیدن فیلم هایی مانند "سرنوشت یک انسان" و "لک لک ها پرواز می کنند" و خواندن آثاری از چخوف و صادق هدایت با ادبیات بیشتر آشنا می شود و کم کم به این نتیجه می رسد که باید به صورت جدی تر وارد قلمرو ادبیات و به خصوص داستان نویسی شود. در سال های ۱۳۴۰-۱۳۳۹ به منظور شرکت در یک دوره کلاس بازیگری (کلاس های آناهیتا) به تهران آمد و پس از اتمام دوره، در نمایشنامه "شب های روشن" از داستایوسکی ایفای نقش کرد و موفق شد اولین داستان کوتاه خود را به نام "ته شب" در مجله آناهیتا چاپ کند. دولت آبادی در سال های پایانی دهه چهل، زندگی سختی را گذراند و جذر و مد زمانه وی را به شغل های نازل واداشت. وی در جایی می گوید:

"مشاغل من تا برسم تهران، عبارت بودند از کارهای گوناگون روی زمین از کاشت تا برداشت و کارهای مربوط به نگهداری از حشم، گوسفند داری و... بعد از آن کار در کفاشی به عنوان پادو و وردست، که مثلا در اوایل علاوه بر جاروی دکان و خرید نان و چه و چه، برای کارگرها و استاد دکان، یکی از کارهایم صاف کردن میخ های کج و کوله بود که به کار «سیزف» می مانست، بعد از آن شاگرد دوچرخه ساز شدم و در فاصله آن دو مدتی وردست برادرها و پدرم، دنده پیچ کارگاه تخت گیوه کشی بودم. مدتی در کارخانه پنبه کار کردم، بعد از آن سلمانی شدم و سپس مدتی باز هم روی زمین کار کردم در ایوانکی به عنوان کارگر قراردادی فصلی... به تهران آمدم مدتی در یک چاپخانه کوچک حروف چینی کردم و مدتی هم در کشتارگاه سلمانی گری می کردم... مدتی در تهران رکلاماتور برنامه و گاهی سופلور بودم، همزمان با این کار کنترل چی سینما شدم و بعد از مدتی بازاریاب روزنامه کیهان و همچنین مسئول نوشتن خبر در بخش تجارتي شهرستان های روزنامه شدم... بعد از آن باز گرفتار یک کار عجیب و کشنده دیگر شدم: انبارداری و فیش کردن صورت اجناس... شش ماهی تلفنچی تئاتری بودم که هیچ کس به آن زنگ نمی زد مگر طلبکارها. پس از مدتی به کار کردن در تئاتر دولتی اداره دراماتیک مشغول شدم